

نگاهی به مجموعه داستان «یک مهمانی یک رقص» از دو منظر

هر داستان؛ یک درس نویسندگی

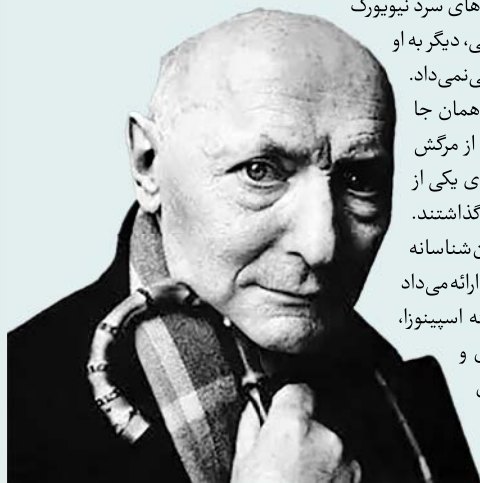
سینگر به مهارت خرافه‌های آمیخته به باورهای مذهبی شدیددین یهود را بی آن‌که با نابلدی از داستان بیرون بزند به نقد کشانده است. شخصیت‌های سینگر چنان هر لحظه از زیست دنیای شان آغشته به باورها و بعضاً خرافه‌های مذهبی است که گاهی از زندگی عادی و ارتباط برقرار کردن با اعضای خانواده‌شان باز می‌مانند، گرچه در بزرگراه‌هایی و به‌ویژه در مواجهه با اعضای جوان‌تر خانواده و دوروبرشان متوجه اغراق آن باورهایشان می‌شوند ولی آن قدر دیر که دیگر به سختی می‌توانند بر آن فائق آیند.

برگ برنده مجموعه داستان بحر مترجم اثر، مزده دقیقی است؛ طوری که هنگام خواندن داستان‌ها اثر و رد ترجمه و واژه‌ها و اصطلاحات عجیب روند خواندن را دچار چالش نمی‌کند. داستان‌ها سرشار از اصطلاحات و سنت‌های مذهبی دین یهود است که در ترجمه و موقع خواندن سخت خوان و درک‌نکردنی نشده است. مجموعه داستان از طرف نشر نیلوفر منتشر شده است و به‌تازگی بعد از مدت‌ها تجدید چاپ شده است که به نظر ارزش خواندن بسیار دارد.

ایزاک باشویس سینگر کیست؟

ایزاک باشویس سینگر، زاده ۱۹۰۴ و درگذشته ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۱، داستان‌نویس یهودی و برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۷۸ است. وی هم چنین جایزه کتاب ملی را دریافت کرده است. پدر ایزاک و پدر بزرگ مادری او خاخام بودند. او سال ۱۹۳۵ به آمریکا مهاجرت کرد، سردبیر روزنامه «فوروارد» در نیویورک شد و اکثر داستان‌های کوتاه خود را برای اولین بار در آن روزنامه چاپ کرد. سینگر تمام آثارش را به ییدیش، زبان مادری خود نوشته است. پس از به شهرت رسیدن، داستان‌های کوتاه و بلند او یکی پس از دیگری با نظارت خودش به انگلیسی برگردانده شدند. وی این ترجمه‌ها را «نسخه اصل دوم» می‌خواند. کسانی که با زبان ییدیش آشنایی دارند، هنوز هم به ظرافتی اشاره می‌کنند که در ترجمه انگلیسی داستان‌ها گاهی از دست رفته است. در مقابل گروهی با توجه به ویژگی‌های زبان انگلیسی از جمله شفافیت، کارایی و سراسازی، نسخه‌های «اصل دوم» را حتی برتر از «اصل اول» می‌خوانند. زمستان‌های سرد نیویورک

در واپسین سال‌های زندگی، دیگر به او اجازه پیاده‌روی‌های طولانی نمی‌داد. سینگر به فلوریدا رفت و همان‌جا در میامی درگذشت. پس از مرگش در سال ۱۹۹۱ نام او را روی یکی از خیابان‌های این شهر گذاشتند. سینگر، تحلیل‌های روان‌شناسانه عمیقی از شخصیت‌هایش ارائه می‌داد و از لحاظ فکری، شیفته اسپینوزا، فیلسوف معروف هلندی و شهرتش بیشتر مرهون داستان‌های کوتاهش بود.

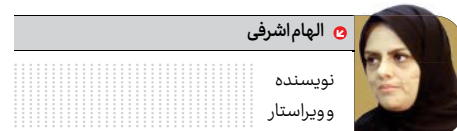


آنها با نوعی بدبینی و شک، خواننده را به چالش می‌کشند و بعضی با زبان و درونمایه‌ای طنز همراه هستند اما مسأله مذهب، بخش جدا نشدنی تمام داستان‌های سینگر است. به واقع چنین می‌توان گفت که این مجموعه نوعی جهان بینی و نگاه شوخ طبعانه است که از عمق تطور اعتقادات مذهبی، هوش و دانش فلسفی و تجربیات مسائل اجتماعی گوناگون بیرون می‌آید. این مجموعه با ترجمه بی‌نقصی از مزده دقیقی در انتشارات نیلوفر به چاپ رسیده است.

به نویسندگی؛ نویسنده هر داستان را به آرامی، البته نه آن قدر آرام که داستان‌ها دچار اطناب شوند، پیش می‌برد و بعد خواننده را درگیر همسایه‌ای، نوه‌ای، اتفاقی تاریخی می‌کند و تا می‌آیی به درون مایه داستان خوبگیری، آخر داستان فرا می‌رسد و بعد ضربه آخری که در پایان داستان بر خواننده وارد می‌شود.

نکته مهم دیگری که بعد از خواندن این مجموعه داستان در ذهن خواننده باقی می‌ماند، شخصیت‌های یادداشتی است که نویسنده خلق کرده است. شخصیت‌ها آدم‌های جوان، زیبا، ثروتمند و حتی ماجراجویی نیستند که در هر صفحه از داستان‌ها حادثه و ماجرای را بیافرینند و خواننده را درگیر خود کنند، بلکه اتفاقا شخصیت‌هایی هستند اغلب میانسال، تنها و حتی زشت و مطرود جامعه؛ گاهی حتی شخصیت‌هایی که در زندگی کاری جز انتظار کشیدن برای مرگ ندارند اما همین شخصیت‌ها را نویسنده توسط راوی هایش چنان جزء به جزء توصیف می‌کند و چنان ما را به اعماق ذهن آنها و خاطرات‌شان می‌کشاند که شخصیت برای خواننده ماندگار و مشخص می‌شود.

سینگر خود تجربه زیسته‌ای داشته است در اعماق باورهای مذهبی دین یهود، آن چنان که در باور اسلافش زیستن در دنیای مادی هر لحظه و هر کارش نوعی گناه محسوب می‌شده است.

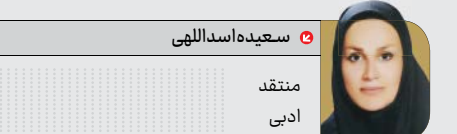


این‌که سینگر، نویسنده یهودی الاصل و لهستانی تبار که برای فرار از تعالیم سختگیرانه اسلاف مذهبی و خاخام خود به آمریکا مهاجرت کرد را در تمام سایت‌ها می‌توان جست‌وجو کرد و خواند. ولی آنچه بعد از خواندن مجموعه داستان «یک مهمانی یک رقص» مرابیش از پیش و داستان به داستان شگفت‌زده می‌کرد قدرت نویسندگی ایزاک باشویس سینگر بود. او استاد توصیف ریزه‌ریز شخصیت‌هایش است، با توصیفاتی خاص که حتی در ترجمه هم منظور نویسنده به خوبی مشخص شده است.

در بیشتر داستان‌ها، نویسنده یک راوی اول شخص مفرد یا همان من راوی را انتخاب کرده و با روایت‌های همان راوی مانند یک راوی دانای کل، روایت‌های شخصیت اصلی را پیش برده است. در جاهایی هم که راوی قرار است از محتویات ذهنی شخصیت سر در بیاورد، راوی اول شخص به طریقی با شخصیت وارد گفت‌وگو شده است. این شیوه زیرکانه و بسیار دقیق نویسنده را در بیشتر داستان‌ها می‌شود دید. شیوه گسترش داستان‌های مجموعه نیز درسی است برای علاقه‌مندان

برش

قصه گویی «سینگر» مخاطب را جذب می‌کند



تولستوی نویسنده بزرگ روسی بر این باور بود که آثار بزرگ هنری از آن جهت بزرگ هستند که در دسترس همگان بوده و مفاهیمی جهان شمول دارند. حال سؤال اینجاست که نویسنده چگونه می‌تواند به این مهم دست یابد؟ شاید آنچه بیشتر از هر چیزی حائز اهمیت است، چگونگی روایت و سادگی در لحن و پرداخت داستان است؛ بالاخص در داستان کوتاه که اساس و بنیادش متکی بر فضا است. داستان‌هایی که در آنها مجالی برای پرداختن به ماجرای اصولی نیست زیرا برخلاف رمان که می‌تواند پرگویی‌ها، اطناب، پرش‌های زمانی و حتی مشکلات ساختاری را در خود پنهان کند، در داستان کوتاه چنین چیزی ممکن نیست زیرا همه چیز در حال «شدن» است. این گونه که داستان کوتاه باید مستقیم و سراسر به اوج برسد. البته رکن اساسی در اینجا ایجاز است؛ ایجازی که با تنش‌های پلکانی

داستان را پیش می‌برد و ضربه‌ها می‌شود. گاهی این ضربه‌ها در شروع داستان بالاست و در بدنه به بالاترین نقطه می‌رسد و همان‌جا پایان می‌گیرد. این گونه بسیاری از موفق‌ترین و ماندگارترین داستان‌های کوتاه جهان به دلیل پایان بندی خوب و غافلگیرکننده در ذهن مخاطب می‌ماند و برجسته می‌شود زیرا نویسنده می‌داند چگونه در بهترین موقعیت داستان‌ش را به پایان برساند. اولین داستان کوتاهی که سال‌ها پیش از سینگر خواندم، داستان «گوساله بی‌تاب» بود. ایده اصلی و شبکه‌سازی بی‌نظیری که این نویسنده با هوش باتیزبینی در سراسر داستان به آن پرداخته بود، من را شگفت زده کرد. سینگر نویسنده‌ای سنتی است. سنتی که رابطه مسقیم با فرهنگ دارد و گاهی همین مسأله می‌تواند برای خواننده خارجی نامفهوم باشد اما قدرت قصه‌گویی سینگر، در کنار زبان و شیوه خاص روایتگری‌اش در همان ابتدای داستان، مخاطب را جذب و تا انتها حفظ می‌کند. منحنی شخصیتی آدم‌های داستان‌های سینگر با نگاهی ظریف و دقیق نقل می‌شوند که این یکی از شگردهای ایشان است. این مجموعه داستان مشتمل بر ۱۱ داستان کوتاه است که بعضی از

مفقودی (نوبت سوم)
بدینوسیله به اطلاع می‌رساند قرارداد شماره ۹۰۵۳ بابت واگذاری آپارتمان در شهرک کوثر آتی‌ساز و برگره انتقال آن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دفترچه قرارداد و برگ انتقال به شماره ۱۰۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۸ مربوط به واحد مسکونی برج موج واقع در شهرک نمک آبرود، بلوک موج، طبقه ششم واحد ۱۰۶۱ متعلق به اینجانب رویا روانی‌اک و پریسا روانی‌اک هر دو فرزند ابوالقاسم به شماره ملی ۰۰۴۰۸۵۴۶۷۱ و ۰۰۳۱۱۶۲۰۴۵ با آرم و نشان شرکت آتی‌ساز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک (سند کمپانی، برگ سبز و کارت سوخت) پژو آر دی آی ۱۶۰۰ مدل ۸۴ به شماره موتور 11784027723 شماره شاسی 13430044 شماره انتظامی ۷۹ - ۳۱۲ ل ۱۷ به نام داور آردن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پراید هاج یک ۱۱۱ مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی با شماره موتور M13/5758160 و شماره شاسی NAS431100G5897155 و شماره پلاک ۶۴ ل ۵۳۹ ایران ۶۸ به نام مرتضی جمشیدی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پیکان ۱۶۰۰ مدل ۸۱ به شماره موتور 11128103970 شماره شاسی 0081447218 شماره انتظامی ۹۱ - ۷۴۶ ب ۷۸ به نام شاپور اسماعیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سازمان آگاهی‌های
روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com